

تحقق حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهمه‌ای؛ شاخص‌ها و الزامات

کمال زارعی^۱، سعید مقیمی^۲، رحیم خستو^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

چکیده

در دو دهه اخیر مفهوم «حکمرانی مطلوب» از سوی محافل علمی و حکومت‌ها برای جلب رضایت مردم و دستیابی به توسعه مورد توجه قرار گرفته است. یکی از الزامات مهم در این زمینه، «عقلانیت سیاسی تفاهمی توأم با اندیشه و عمل آگاهانه» است. پژوهش حاضر مترصد آن است که نسبت یک حکمرانی مطلوب با شاخص‌های عقل محور در ابعاد مختلف نظام ج.ا.ایران را مورد ارزیابی قرار دهد تا بر اساس آن بتوان راهکارهای مناسب جهت دستیابی یک حکومت به حکمرانی مطلوب را ترسیم کرد. از این رو، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که: «مهم‌ترین شاخص‌ها و الزامات تحقق حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهمه‌ای کدام‌اند؟» روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش ضمن نقد «عقلانیت ابزاری» ماکس وبر که در جوامع مدرن غالب بوده و به ازدست‌رفتن معنا و ارزش‌های انسانی منجر می‌شود، بر عقلانیت سیاسی مفاهمه‌ای و ملاحظات محیطی و باور به ارزش‌های حاکم بر جامعه که از سوی «یورگن هابرماس» مطرح شده، تأکید کرده و نشان می‌دهد بر اساس عقلانیت مفاهمه‌ای می‌توان شاخص‌های روشن‌تری را برای تحقق حکمرانی مطلوب معرفی کرد.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، عقلانیت سیاسی، عقلانیت مفاهمه‌ای، کنش ارتباطی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

رایانامه: Zareikamal159@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: Moghimi.kiau@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران. رایانامه: R.khasto@gmail.com



۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌ها، ارائه شیوه‌های مناسبی از حکمرانی است تا بتوان بر اساس آن یک نظام سیاسی باثبات و مبتنی بر توسعه و مشروعیت بالا ایجاد کرد. حکومت‌ها به میزان موفقیت یا عدم موفقیت در تحقق این موضوع به درجه‌ای از رضایت یا نارضایتی شهروندان و یا افزایش و کاهش مشروعیت سیاسی دست خواهند یافت (کلهری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۴). در این زمینه ازجمله مفاهیم مهم و اثرگذار که در سال‌های اخیر مورد توجه و تأکید سیاستمداران واقع شده، «حکمرانی خوب» است؛ البته بایستی به این موضوع اشاره داشت که مفهوم حکمرانی خوب، قدمتی طولانی دارد به‌نحوی که ارسطو، این مفهوم را در قالب زیر مطرح کرده است:

(۱) «توجه حکام به مصالح و منافع عمومی»،

(۲) «فقدان فساد در منفعت‌طلبی فردی» (شاگری، ۱۴۰۳: ۸۵).

مفهوم حکمرانی خوب در عصر حاضر، بیشتر بر اتخاذ سیاست‌های صریح، آشکار، بوروکراسی شفاف، مسئولیت‌پذیری و تعهد دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی، مشارکت فعال طبقات مختلف اجتماعی در مسائل مختلف و برابری همگان در مقابل قانون دلالت دارد. بنابراین حکمرانی خوب در گام نخست، تلاش گسترده برای مدیریت مناسب و کارآمد مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است تا بتوان اهداف موردنظر یک نظام سیاسی را بر اساس آن محقق نمود.

بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۸۹م. حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف کرده است: «ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل‌اعتماد و نظام اداری پاسخگو» (اوزکین و آکسوی^۱، ۲۰۲۵: ۱۱۷).

نویسندگان پژوهش حاضر نیز ضمن صرف‌نظر از تعاریف و تعابیر مختلف و بعضاً متفاوتی که از حکمرانی خوب ارائه شده، تعریف بانک جهانی از این مفهوم را مبنا قرار خواهند داد. در خصوص حکمرانی خوب باید به دو موضوع اصلی توجه کرد:

❖ اول، راهکارهای تحقق هرچه بهتر این موضوع و بحث و بررسی علمی و واقع‌بینانه در رابطه با چالش‌ها و رویکردهای آن در نظام‌های سیاسی مختلف؛

❖ دوم، بومی‌سازی حکمرانی مطلوب در جوامع سیاسی مختلف.

به تعبیر دیگر، تعریفی که از سوی بانک جهانی برای حکمرانی خوب ارائه شده، تعریف و تبیینی کلی بوده و بحث در این رابطه که نظام‌های سیاسی مختلف با ایدئولوژی‌های متنوع و شرایط گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هویتی و اجتماعی گوناگون با تمسک به چه رویکردهایی می‌توانند به حکمرانی مطلوب دست یابند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در این رابطه بایستی به دو نوع از الزامات عینی و ذهنی اشاره داشت. مقصود از الزامات ذهنی، تلاش جهت آماده‌سازی نظام‌های سیاسی برای مفاهیم، گفتگو و تعامل است. الزامات عینی نیز مجموعه شرایط و پیش‌نیازهایی است که بر اساس آن، حکمرانی مطلوب محقق می‌شود مانند جامعه مدنی، رسانه‌های آزاد، مشارکت سیاسی، مسئولیت‌پذیری و

بسیاری از تئوریسین‌های علم سیاست و جامعه‌شناسی، اعتقاد راسخی به مفهوم عقلانیت به مثابه یکی از ابزارهای مهم تحقق حکمرانی مطلوب دارند. بنا بر استدلال اصلی این دسته از نظریه‌پردازان، عقل انسان، ابزار کاملی در تشخیص منافع بشر بوده و روش‌های نیل به اهداف موردنظر بشر را به بهترین وجه در امور سیاسی، اقتصادی، رفاهی، اجتماعی فراهم خواهد کرد (کانگ‌کانگ و جیانپینگ^۱، ۲۰۲۴: ۴۲۰). از سویی دیگر، عقل ابزاری برای گفتگو، مفاهیم، گفتمان و تعیین منافع افراد بدون تمسک به خشونت و دیگر چالش‌های سیاسی و اجتماعی خواهد شد (فیگوئرا^۲، ۲۰۲۴: ۶).

در این رابطه، دو نفر از جامعه‌شناسان مشهور سیاسی در عرصه بین‌الملل یعنی «ماکس وبر» و «یورگن هابرماس»^۳ به ارائه نظریاتی پیرامون عقلانیت و کارکرد آن در نظام‌های مدرن سیاسی پرداختند. وبر نشان می‌دهد که چگونه عقلانیت ابزاری، که در جوامع مدرن

غالب است، می‌تواند به ازدست‌رفتن معنا و ارزش‌های انسانی منجر شود (نارلیکار^۱، ۲۰۲۴: ۳۷۸). هابرماس نیز عقلانیت را به لحاظ نحوه رابطه انسان با دنیا در شکل «عقلانیت ابزاری»، «هدفمند یا فرجام‌گرا» و «عقلانیت ارتباطی» تقسیم کرده و از عقلانیت ارتباطی یا مفاهیم‌ای دفاع می‌کند (یدالهی و پیرامن، ۱۴۰۳: ۶۷۲).

یکی از مفروضات اصلی و کلیدی پژوهش حاضر این است که اجرا و احیای عقلانیت سیاسی از نوع مفاهیم‌ای با محوریت و اولویت تفاهم و تعامل جمعی با هدف دستیابی به کمال مطلوب در یک نظام حکمرانی، ضروری است؛ البته شرط توفیق عقلانیت سیاسی مفاهیم‌ای نیز بهره‌گیری از شاخص‌های حکمرانی مطلوب از جمله مسئولیت‌پذیری، تفاهم و وفاق ملی، تحزب‌گرایی، پاسخگویی، شفافیت، برقراری عدالت و مبارزه با فساد در سیستم اداری و اقتصادی است.

به‌طور طبیعی اگر نظام حکمرانی با ارتباط حداقلی با جامعه، خردورزان و نخبگان شکل بگیرد و یا صرفاً به عقلانیت ابزاری وبری اتکا نماید، از شاخص‌های حکمرانی مطلوب فاصله گرفته و نه‌تنها به توسعه نمی‌رسد بلکه از استانداردهای موردنظر یک جامعه دور گشته و عدم توفیق در عرصه‌های مختلف را تجربه خواهد کرد.

یکی از انگیزه‌ها و اهداف کلیدی این مقاله، تمایل به درک نقیصه‌های موجود در ارائه یک مدل از حکمرانی مطلوب برای جامعه و معرفی یک الزام و واقعیت در دسترس و امکان‌پذیر است ضمن آنکه چرایی و چگونگی توفیق کشورهای توسعه‌یافته به مدد بهره‌گیری از عقلانیت و حرکت در مسیر واقع‌گرایی، اندیشه محوری و خردورزی را نمایان می‌سازد.

در این پژوهش نسبت یک حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با شاخص‌های عقل محور در ابعاد مختلف مورد ارزیابی و بحث علمی قرار می‌گیرد. از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که: «مهم‌ترین شاخص‌ها و الزامات تحقق حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهیم‌ای کدام‌اند؟».

فرضیه پژوهش ضمن نقد عقلانیت ابزاری ماکس وبر که در جوامع مدرن غالب بوده و به ازدست‌رفتن معنا و ارزش‌های انسانی منجر می‌شود، بر عقلانیت سیاسی مفاهمه‌ای و ملاحظات محیطی و باور به ارزش‌های حاکم بر جامعه در سایه تفاهم که از سوی یورگن هابرماس مطرح شده، تأکید می‌کند. مطابق با این فرضیه، بر اساس عقلانیت مفاهمه‌ای می‌توان شاخص‌های روشن‌تری برای تحقق حکمرانی مطلوب معرفی کرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

گرچه در بحث پیرامون حکمرانی، ادبیات پژوهشی زیادی شکل گرفته است؛ اما در حوزه نقش‌آفرینی عقلانیت به‌ویژه عقلانیت ارتباطی در حکمرانی خوب، آثار مستقل و مجزایی در دسترس نیست. با این وجود، برخی از پژوهش‌هایی که به نحوی با موضوع مقاله حاضر مرتبط است به صورت مختصر در قسمت ذیل بررسی می‌شوند:

«واحدی» در پژوهشی تحت عنوان «مدل‌سازی حکمرانی خوب در ج.ا.ایران» (۱۴۰۲) اذعان می‌کند که حکمرانی یک مفهوم چندوجهی است که تمام جنبه‌های اعمال اقتدار را دربرمی‌گیرد؛ به همین دلیل هر یک از ابعاد کارایی و اثربخشی به مؤلفه‌هایی در حوزه‌های اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقسیم شده که نمایانگر تأکید پژوهش بر چندوجهی بودن حکمرانی است. بر اساس این پژوهش حکمرانی خوب زیرمجموعه‌ای از حکمرانی است که در آن منابع و مشکلات عمومی به‌طور مؤثر، کارآمد و در پاسخ به نیازهای حیاتی جامعه مدیریت می‌شوند.

«زهیری» پژوهشی با عنوان «بررسی حکمرانی خوب و الزامات سازه‌ای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی ج.ا.ایران)» (۱۴۰۲) انجام داده است. بر اساس نتایج این پژوهش در حال حاضر به‌رغم وجود الزامات سازه‌ای شفافیت در اسناد بالادستی، فقدان ترتیبات نهادی مانند ابهام در سامانه‌های سیاسی، شکاف میان قوانین و اقدامات دولتی، پایین بودن ضریب پاسخگویی نظام سیاسی و ضریب اعتماد عمومی به کارآمدی دولت، ضعف در نهادمندی سیاسی و فقدان نهادهای مدنی فعال، بوروکراسی غیرشفاف و دشواری دسترسی به

اطلاعات، وجود نهادهای نظارتی ناکارآمد و ابهام و پیچیدگی در قوانین و مقررات، به کاهش شفافیت انجامیده و در نتیجه زمینه گسترش فساد را فراهم ساخته است.

«حسینی» و همکاران پژوهشی مشترک با عنوان «بررسی فرهنگ‌پذیری در بستر عقلانیت در جهت رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز (با رویکرد عقلانیت ارتباطی هابرماس)» (۱۴۰۲) منتشر کرده‌اند. طبق یافته‌های پژوهش بسیاری از جوامع در جریان فرهنگ‌پذیری از جوامع دیگر، از هنجارهایی الگوبرداری کرده‌اند که پاسخگوی نیازشان نبوده است، در نهایت دچار نوعی تضاد فرهنگی شده و آسیب‌های جدی به ساختار فرهنگی-اجتماعی و به تبع آن نهادهای دیگر اجتماع وارد شده است. پذیرش هر فرهنگ جدید نیازمند بستر رشدی عقلانی برای فراهم کردن یک فضای گفت‌وگو در جهت بازتولید فرهنگی بدون آسیب رسیدن به فرهنگ بومی و منحصربه‌فرد آن جامعه و آزادی‌های مدنی آن است؛ چراکه فرهنگ‌پذیری با کنش اجتماعی سروکار دارد و نهادینه کردن بستری عقلانی برای رهایی از خودبیگانگی در روند فرهنگ‌پذیری حائز اهمیت است. «مورتازاشویلی»^۱ در پژوهشی با عنوان «چالش‌های حکمرانی؛ تلاش برای تحقق حکمرانی خوب بر اساس مفاهیم» (۲۰۲۵) اذعان کرد دموکراسی اصلی مهم و اساسی برای تحقق حکمرانی خوب محسوب می‌شود؛ اما مادامی‌که دموکراسی نتواند دو اصل «رفاه» و «سازش میان طبقات مختلف اجتماعی» را به همراه داشته باشد، نمی‌توان مدعی تحقق حکمرانی مطلوب در نظام سیاسی شد.

«ایجیم آگبور» و همکاران^۲ پژوهشی مشترک تحت عنوان «بررسی حکمرانی خوب، انتخابات و تحقق اهداف توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ در آفریقا» (۲۰۲۴) منتشر کرده‌اند. به اعتقاد نویسندگان، بسیاری از رهبران کنونی قاره آفریقا، حداقل در عمل اعتقاد چندانی به حکمرانی خوب ندارند؛ زیرا در آن صورت بایستی به اصولی همچون آزادی فردی و اجتماعی، آزادی احزاب، فعالیت قانونی و فرادولتی رسانه‌ها، حقوق مدنی و سیاسی

1. Murtazashvili

2. Ijim Agbor & et.al.

طیف‌های مختلف تعهد کامل داشته باشند، حال آنکه کماکان استبداد و دیکتاتوری در بسیاری از جوامع آفریقایی مشاهده می‌شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش در راستای تحقق واقعی حکمرانی خوب در کشورهای آفریقایی، نخستین و مهم‌ترین اصل، «برگزاری انتخابات واقعی و مبتنی بر اصول دموکراتیک» است.

«ستالا»^۱ در پژوهشی با عنوان «دموکراسی مشورتی، راهکاری برای تحقق حکمرانی مطلوب؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها» (۲۰۲۴) اذعان می‌کند که «دموکراسی مشورتی» یک راهکار مناسب برای تحقق حکمرانی مطلوب تلقی می‌شود. مهم‌ترین مزیت دموکراسی مشورتی، تحقق منافع جمعی و بسط مبانی مشروعیت حکومت است؛ زیرا تلاش اصلی خود را مبتنی بر مفاهیم، سازش، گفتگو و تعامل قرار می‌دهد. در این رابطه چالش مهمی نیز وجود دارد که آن تلاش برای تحقق منافع کوتاه‌مدت و عدم توجه به منافع بلندمدت است.

بر اساس پیشینه پژوهش طیف وسیعی از مطالعات با محوریت حکمرانی مطلوب انجام شده است اما پژوهشی که به نحوی مستقل موضوع تحقق حکمرانی خوب با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهیم‌ای در ج.ا.ایران را مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده است.

وجه دیگر نوآوری پژوهش حاضر، تلاش برای بومی‌سازی حکمرانی خوب در کشور ج.ا.ایران است؛ به بیانی دیگر، حکمرانی خوب برخی شاخص‌ها و الزامات کلی دارد که نظریه‌پردازان مختلف به آن توجه داشته‌اند، حال بررسی این موضوع که جهت پیاده‌سازی (بومی‌سازی) حکمرانی خوب در نظام سیاسی ج.ا.ایران چه شاخص‌ها و الزاماتی بیشتر باید مورد تأکید و توجه قرار گیرد، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ این مسئله در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲. مبانی نظری

۲-۲-۱. عقلانیت سیاسی مفاهیم‌ای

در اندیشه هابرماس عقلانیت به لحاظ نحوه رابطه انسان با جهان به سه دسته تقسیم می‌شود:

❖ عقلانیت ابزاری؛

❖ عقلانیت هدفمند یا فرجام‌گرا؛

❖ عقلانیت ارتباطی.

در عقلانیت ابزاری، کنشگر خواستار دخالت در امور و تغییر شرایط است؛ اما در عقلانیت ارتباطی یا تفاهمی، غایت کنشگر دستیابی به توافق با کنشگران دیگر در جهان عینی، ذهنی و اجتماعی است. در این نوع از عقلانیت، زبان رسانه ارتباط است. ضمن آنکه شرط مدل عقلانیت ابزاری پذیرفتن رابطه ذهنی-عینی است؛ اما در مدل عقلانیت ارتباطی شرط مدل عقلانیت، پذیرش رابطه‌ی ذهنی-ذهنی است.

هابرماس مفهوم عقلانیت ارتباطی را در برابر عقلانیت موردنظر وبر که همان «عقلانیت ابزاری» است و به «قفس آهنین جامعه مدرن» تعبیر شده، مطرح می‌کند (کالبرگ^۱، ۲۰۲۴: ۶۱). عقلانیت ارتباطی موردنظر هابرماس، اقدامی فرهنگی و بر اساس ارتقاء و توسعه اندیشه بشر و مبتنی بر منطق درونی آنهاست. به عقیده وبر پیامد مهم این عقلانیت فرهنگی، آزادی‌بخشی یا رهایی‌بخشی است. پیامدی که برخلاف عقلانیت ابزاری وبری، انسان را محصور و گرفتار نخواهد کرد (هابرماس، ۲۰۲۳: ۱۴۳-۱۴۴).

مفاهمه عقلانی، نشانگر عقلانیت مفاهمه‌ای است. در مفاهمه «عقل» موضوع اصلی سیاست مفاهمه‌ای است. در این مفاهمه به اصل بنیاد عقل توجه می‌شود تا داوری‌ها مبتنی بر منطق عقل سلیم باشند. عقل در وجود همه انسان‌ها به صورت یکسان حاضر وجود دارد و مشکل در نحوه به‌کارگیری آن است. مفاهمه می‌تواند به‌کارگیری روش عقل را به صورت جمعی تعلیم دهد و انسان از آن بهره گیرد. اصل اول در روند مفاهمه پدیداری، حاضر بودن و به‌کارگیری عقل است (هابرماس، ۲۰۱۹: ۳۵).

عقلانیت ارتباطی به بین‌الذهانی بودن حقیقت اشاره دارد. بنابراین حقیقت مبتنی بر اجماع همه‌جانبه درباره صحت و اعتبار حکم است و از وضعیت کلانی مبتنی بر برابری برمی‌خیزد و سلامت جامعه مشروط به گسترش توانایی تفاهم است (هابرماس، ۲۰۱۹: ۳۹). عقلانیت ارتباطی موردنظر هابرماس مبتنی بر گفتگو، مفاهمه و تفاهم است که اساس

و مبنای آن عقلانیت و خرد مفاهمه‌ای انسان است. از طرفی به عقیده هابرماس، عقلانیت ارتباطی تنها در زیست جهان بروز نموده و عامل مهمی برای توسعه و گسترش عقلانیت فرهنگی و زیست جهان به‌شمار می‌رود (هابرماس، ۲۰۲۰: ۸۷).

وی در ادامه بر این موضوع تأکید دارد که در عصر مدرنیته عقلانیت ابزاری حاکم بر عصر مدرنیته است؛ این موضوع عامل مهمی برای بحران موجود در عصر مدرن محسوب می‌شود؛ لذا بایستی عقلانیت فرهنگی را عقلانیت قالب در عصر مدرنیته قرار داد تا بتوان به رهایی‌بخشی دست یافت. به همین علت هابرماس، در تئوری انتقادی خود عقلانیت ارتباطی و تفاهمی را از دو منظر مطرح کرده است: عقلانیت ارتباطی از منظر معرفت‌شناسی، و عقلانیت ارتباطی از منظر زبان‌شناسی. هابرماس از این دو منظر به انتقاد از مبانی عقل مدرن و ارائه طرحی نوین از مفهوم عقلانیت می‌پردازد (هابرماس، ۲۰۱۸: ۴۸).

به‌طورکلی، سه شاخص مهم دموکراسی گفتگویی هابرماسی که با دموکراسی رایج در سه حوزه مهم تفاوت‌های بنیادین دارند عبارت‌اند از:

❖ اول، در دموکراسی گفتگویی هابرماسی، حوزه زیست-جهان مورد بازسازی اساسی قرار گرفته است؛

❖ دوم، زبان یا نیروی زبانی ماهیتی عقلانی داشته و تنها ابزار نیل به اجماع و تفاهم عقلانی محسوب می‌شود؛

❖ سوم، مشارکت‌کنندگانی که همگی در یک سطح مشابه «زبان» را به‌کار می‌گیرند به سمت «اجماع جهت‌گیری‌شده» سوق خواهند یافت (هابرماس، ۱۴۰۰: ۸۴-۸۶).

دموکراسی شورایی به‌ویژه در نظریه هابرماس مبتنی بر امکان گفتگو است. امکان گفتگو درباره مسائل مشترک در نظریه دموکراسی هابرماس ریشه فلسفی عمیق دارد و جزئی از شالوده نظریه او درباره معرفت انسان و زندگی است. وی دموکراسی را مجموعه‌ای از قواعد رسمی و آیین‌ها می‌پندارد که شهروندان بر اساس آن، جهت دستیابی به وفاق در

خصوص اهداف مشترک و شیوه‌های حل و فصل منازعات در راه اهداف مشترک تلاش می‌کنند.

دموکراسی گفتگویی مبتنی بر حوزه تفاهمی برخاسته از اخلاق گفتگویی است. این نوع از دموکراسی شیوه‌ای جهت نهادینه کردن مناظره، گفتگو و استدلال است که از طریق آن سیاست عمومی ایجاد می‌گردد. این نوع از دموکراسی که به دموکراسی مشارکتی نیز معروف است مبتنی بر حوزه عمومی است (هابرماس، ۲۰۲۰: ۹۴-۹۵). دموکراسی گفتگویی بر این اندیشه استوار است که یک اجتماع مبتنی بر اصول دموکراتیک در شکل مطلوب خود باید آموزش را با بحث، مذاکره، مشاوره و گفتگوی متکی بر تأمل و استدلال پیش ببرد. دموکراسی گفتگویی از نقد مبانی و عملکرد دموکراسی لیبرال آغاز می‌شود (کانینگهام، ۱۴۰۳: ۵۱-۵۲).

پژوهش حاضر، ضمن مبنا قرار دادن تئوری دموکراسی مفاهمه‌ای و گفتگویی هابرماس به‌مثابه ابزاری اثربخش در تحقق حکمرانی مطلوب، سعی در بررسی، تطابق و به نوعی بومی‌سازی آن در نظام سیاسی ج.ا.ایران دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ روش اجرا از نوع تحقیقات «توصیفی-تحلیلی» است. با توجه به ماهیت موضوع مورد پژوهش، روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق، کتابخانه‌ای و اسنادی است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. تحقق حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهمه‌ای

طبق برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۲م. حکمرانی خوب شامل مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهایی است که بر اساس آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را

پیگیری و حقوق قانونی و مجموعه تعهدات خود را به اجرا می‌گذارند (چاندا و همکاران^۱، ۲۰۲۴: ۶۲۱۷). بر این اساس حکمرانی خوب دارای ویژگی‌های زیر است:

- ❖ وجود ساختارهای دموکراتیک در جامعه و تلاش برای تقویت و ارتقاء آنها؛
- ❖ شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مسئولان و سیاست‌مداران حکومتی؛
- ❖ توجه و واکنش به درخواست‌های شهروندان و تلاش برای توسعه مشارکت آنان؛
- ❖ ایجاد خط‌مشی‌های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه؛
- ❖ احترام به قانون و حاکمیت آن (ژو و همکاران^۲، ۲۰۲۴: ۴۳۱-۴۳۳).

در میان تعاریف ارائه‌شده برای حکمرانی مطلوب یک ویژگی مشترک وجود دارد که؛ «حکمرانی خوب یا مطلوب از عناصر و معیارهایی چون شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است (ادیانی، ۱۳۹۷: ۳۷). بنابراین حکمرانی خوب یک عامل کارآمد، مستقل، پاسخگو و ارائه‌کننده خدمات عمومی همگانی، بدون فساد و پایبند به تأمین کالاهای عمومی است.

علاوه بر این حکمرانی خوب تضمین اعتماد عمومی به حکومت بوده که برای بهبود کارآمدی سیاست‌ها و قابلیت نهادها برای پاسداری از حقوق بنیادین و رفع نیاز شهروندان ضروری است. بدیهی است هدف حکمرانی مطلوب مردم‌سالارانه، گذشته از ارتقای جایگاه خود در جامعه جهانی، ارائه خدمات بهتر به شهروندان است؛ لذا به هر میزان که ارائه خدمات از جهات کیفی و کمی مناسب‌تر باشد؛ موضوع حقوق بشر بیشتر مورد تأکید قرار گرفته و جامعه مدنی نیز به اهداف خود نزدیک‌تر خواهد شد (مقدری، ۱۴۰۰: ۳۳).

ج.ا.ایران که اساس حکومت خود را بر مردم‌سالاری دینی بنا نهاده است، می‌تواند با لحاظ عقلانیت مفاهیم‌ای و در سایه توافق، تفاهم و گسترش دامنه همکاری و تعامل بین نخبگان و مردم با دولت و حکمرانی، و توجه به شاخص‌های اثرگذار در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به یک حکمرانی بهتر و مطلوب دست یابد که در ادامه به مهمترین شاخص‌های شکل‌گیری از این حکمرانی اشاره می‌شود.

1. Chanda & et.al.

2. Zhu & et.al.

۱-۱-۴. مهم‌ترین شاخص‌های شکل‌گیری حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران

برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها و الزامات شکل‌گیری حکمرانی مطلوب در ایران عبارت‌اند از:

۱-۱-۴. ارتقاء رفاه عمومی

نخستین اقدامی که به تحقق حکمرانی هرچه بهتر در کشور کمک شایانی کند، ارتقاء رفاه عمومی است. این موضوع از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه و تأکید رهبران ج.ا.ایران بوده است؛ به نحوی که حمایت و پشتیبانی از محرومین و مستضعفین و تأسیس نهادهایی همچون جهاد سازندگی در راستای محرومیت‌زدایی و افزایش رفاه عمومی در کشور انجام شده است؛ البته باید به این موضوع مهم توجه نمود که اتخاذ سیاست‌های رفاه عمومی از سوی دولت‌مردان و نمایندگان مجلس باید به نحوی باشد که رضایت، اعتماد و اقناع عمومی را به همراه داشته باشد. به بیانی دیگر، سیاست‌های اتخاذشده با هدف ارتقاء رفاه عمومی بایستی در اقتصاد، معیشت، آموزش، درمان، مسکن و سایر نیازهای شهروندان کشور تجلی یابد و از طرفی، شکاف طبقاتی میان مسئولین و شهروندان به کمترین میزان برسد. جهت دستیابی به ارتقاء رفاه عمومی می‌توان به دو راهکار مهم و اثربخش متوسل شد:

❖ اول، شناسایی نیازهای اصلی شهروندان از سوی دولت‌مردان؛

❖ دوم، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در قبال انجام یا عدم انجام تعهدات رفاهی.

در تبیین چالش‌های پیش‌رو جهت تحقق هرچه بهتر رفاه عمومی در کشور توجه به مسائل زیر بسیار حائز اهمیت است:

❖ اول، اساساً میان برنامه‌های رفاهی در نظر گرفته شده و اجرای آن در عرصه عمل

شکاف عمیقی وجود دارد؛ بعضاً برنامه‌های جامعی جهت تحقق رفاه اجتماعی،

محرومیت‌زدایی و خدمات‌رسانی به اقشار مختلف اجتماعی صورت می‌پذیرد اما

در عرصه اجرا، مشکلات عدیده‌ای ظهور می‌یابد که برنامه‌های مذکور را علناً با

ناکامی مواجه می‌کند. بنابراین عزم جدی در امور زیر موردنظر است:

- پیاده‌سازی دقیق برنامه‌های رفاهی،
 - تنظیم بودجه‌های لازم،
 - نظارت جامع،
 - ارزیابی کامل،
 - پیگیری مستمر تا به سرانجام رسیدن اهداف.
- ❖ دوم، بعضاً تبعیض‌های گسترده‌ای در نظام توزیعی کشور مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال، در ارائه خدمات رفاهی در مرکز-پیرامون کشور شکاف عمیقی وجود دارد. شکاف بین امکانات آموزشی، رفاهی، بهداشتی و درمانی و دیگر امکانات موجود در میان شهرهای بزرگ و مرکزی با شهرهای کوچک و دورافتاده بسیار عمیق است.
- ❖ سوم، رویکرد بسیاری از مسئولین در تحقق وعده‌های رفاهی و معیشتی بعضاً مبتنی بر وعده‌های صرف بوده و پس از ناکامی در تحقق وعده‌های خود، عواملی همچون تحریم‌ها، فقدان بودجه لازم و تصمیمات برون‌سازمانی را عامل ناکامی معرفی می‌نمایند. در راستای حل‌وفصل چنین معضلات مهمی راهکارهای مناسب عبارت‌اند از:
- عزم جدی جهت انجام برنامه‌های رفاهی لازم و ضروری برای طبقات مختلف اجتماعی از طریق اولویت‌سنجی نیازهای رفاهی،
 - تخصیص بودجه‌های لازم،
 - نظارت هم‌زمان نمایندگان مجلس،
 - رسانه‌ای نمودن مداوم خدمات صورت پذیرفته،
 - برخورد قاطع با متخلفان احتمالی.

۲-۱-۴. شفافیت^۱ و فسادزدایی

ماهیت و اساس وقوع فساد در یک نظام یا سیستم سیاسی، مفهوم «پنهان‌کاری» است. این موضوع هنگامی که شهروندان از دسترسی به آمار و اطلاعات حقیقی به دور باشند، شرایط

را برای فساد بیشتر محقق خواهد کرد. بنابراین، با در اختیار قرار دادن اطلاعات کافی و لازم از طریق توسعه ارتباطات به شهروندان می‌توان از فساد و تعمیق آن در جامعه جلوگیری به عمل آورد و زمینه را برای مشارکت مردم فراهم نمود (دانداشلی و کورتلیس^۱، ۲۰۲۴: ۱۸۵۲).

ج.ا.ایران در این زمینه بایستی اقدامات زیر را انجام دهد:

- ❖ اطلاعات و آمار عمومی را به سهولت در دسترس شهروندان قرار دهد؛
 - ❖ جهت عدم تشویش اذهان عمومی و کم‌اثر کردن فعالیت برخی از رسانه‌های معاند، از طریق مراجع اطلاع‌رسانی رسمی خود، هرگونه اطلاعات و اسناد (غیرمحرمانه) را در اختیار مردم قرار دهد؛
 - ❖ عملکرد دولتمردان از طریق مراجع رسمی مجلس شورای اسلامی پس از پایان دوره خدمت آنان به شهروندان ارائه گردد تا شهروندان از میزان موفقیت‌آمیز بودن اقدامات یا ناتوانی آنان در اجرای وظایفشان آگاهی یابند. این موضوع می‌تواند جهت انتخاب مجدد یا عدم انتخاب مسئولین از سوی شهروندان بسیار اثربخش باشد.
 - ❖ قوه قضائیه با در اختیار قرار دادن منابع مالی و دارایی مسئولین پیش و پس از دوره انجام مأموریت، میزان فساد مالی افراد را به‌صورت شفاف در اختیار شهروندان قرار دهد.
- باید به این موضوع مهم اشاره نمود که دو مفهوم «مصلحت» و «امنیتی‌شدن» و برخی زدوبندهای سیاسی و اقتصادی مانع بزرگی در این رابطه هستند؛ درحالی‌که مسئولان محترم قوه قضائیه موکداً بر موضوع مهم فسادستیزی و عزم راسخ در ریشه‌کن نمودن فساد، و شفافیت دارایی مسئولان تأکید دارند و بر اساس منویات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و ریاست محترم قوه قضائیه موظف به برخورد قاطع در این زمینه هستند.

راهکارهای پیشنهادی نویسندگان در این رابطه مشتمل بر ۶ مورد است که از نظارت شروع می‌شود و با اصلاحات ساختاری و کارآمدسازی برای بهبود شرایط ادامه می‌یابد. نحوه انجام راهکارها به شرح زیر است:

الف. نظارت

یکی از مهم‌ترین ابزارهای جلوگیری از وقوع هر نوع فساد، نظارت مطلوب بر فرایندها است. استفاده از ابزار نظارت با توجه به پیچیدگی‌های آن بسیار مهم و حساس تلقی می‌گردد؛ هرچند نظارت ابزاری برای جلوگیری از فساد است ولی خود می‌تواند به عاملی برای سوءاستفاده یا پیچیده و سخت‌تر شدن فرایندها، مبدل شود.

ب. اصلاح فرهنگ سازمانی

فرهنگ سازمانی، مجموعه مفروضات، باورها و ارزش‌های مشترک اعضای سازمان است که الگوی رفتار سازمانی را مشخص و سازمان را از سازمان‌های دیگر متمایز می‌سازد. فرهنگ سازمانی به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک بر رفتار و اندیشه‌های اعضا و سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند به‌عنوان سرچشمه‌ای برای دستیابی به محیط سالم اداری یا فضایی ترویج‌دهنده فساد به‌شمار آید. این فرهنگ از طریق کارکردهای اساسی و تأثیر بر کارکنان، قابلیت بالایی برای پیشگیری از بروز فساد دارد.

پ. اصلاح ساختار اداری

اعمال اصلاحات در سازمان‌های دولتی می‌تواند در کاهش فساد اداری مؤثر باشد که ازجمله موارد به شرح زیر است:

(۱) اصلاح و بهبود تشکیلات سازمان‌ها،

(۲) بهبود نظام بودجه‌ریزی،

(۳) مدیریت مالی اثربخش و نظام مالیاتی کارآمد،

(۴) تشکیل دولت الکترونیک و اقداماتی از این قبیل.

ت. اصلاح سیستم پرداخت حقوق و دستمزد

در بین راهکارهای ارائه‌شده برای مبارزه با فساد شاید مهم‌ترین و مفیدترین گام به‌سوی داشتن جامعه‌ی خالی از فساد اداری، از بین بردن تبعیض در پرداخت حقوق و دستمزد در سطوح مختلف و ترمیم حقوق و مزایای کارکنان کم‌درآمد باشد.

ث. ایجاد جریان آزاد اطلاعات

اجرای این محور مستلزم اجرای دقیق قانون آزادسازی جریان اطلاعات است؛ برای این منظور باید محدودیت‌های موجود در زمینه‌ی افشای فسادهای مالی و اقتصادی برداشته شود؛ به‌گونه‌ای که عموم مردم به‌طور یکسان به این اطلاعات دسترسی داشته باشند.

ج. کوچک‌سازی و کارآمدسازی دولت

حرکت در جهت کوچک‌سازی واقعی دولت و افزایش کارآمدی آن از طریق سپردن فعالیت‌ها به بخش خصوصی و استفاده از فناوری‌های نوین مدیریتی، یکی از محرک‌های اصلی «سلامت آفرینی» است. از مهم‌ترین ابتکارات در این زمینه عبارتند از:

- (۱) واگذاری فعالیت‌های غیرحاکمیتی به بخش غیردولتی،
- (۲) حذف ارتباط مستقیم و رابطه‌ی چهره‌به‌چهره و جایگزین کردن سیستم‌های الکترونیکی از طریق استقرار کامل دولت الکترونیکی،
- (۳) توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی،
- (۴) رفع محدودیت‌های تأمین،
- (۵) تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)‌ها و دسترسی آنها به اطلاعات،
- (۶) گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی منظم دستگاه‌های اجرایی در امور اقتصادی، مالی و اداری.

۳-۱-۴. پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دولت

دولت، سیستم سیاسی، اداری و نیروهای بازار اگر نسبت به مردم، مسئول و در قبال رفاه شهروندان پاسخگو باشند، حکومت‌داری خوب شکل می‌گیرد؛ البته پاسخگویی نیازمند

مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری^۱ نیازمند وجود نهادهای قانون‌گذار مستقل است که بتواند اعضای اجرایی را وادار کند تا نحوه استفاده از قدرتی را که قانون موضوعه به آنها داده، تبیین و توجیه نمایند.

اصلی‌ترین وظیفه پاسخگویی سیاسی عمل به‌عنوان یک «استراتژی ضد فساد» است. به هر میزان، پاسخگویی قوی‌تر باشد، رفتارهای خودخواهانه و فسادآمیز مسئولان سیاسی کمتر خواهد شد (اسمیث، ۱۳۹۹: ۲۶). ج.ا.ایران در این زمینه بایستی مسئولین دولتی را موظف به پاسخگویی به شهروندان و یا نمایندگان آنها نماید. بنابراین به لحاظ قانونی، فرایند مسئولیت‌پذیری مسئولان باید نهادینه شود تا بتوان:

❖ میزان اعتماد در میان شهروندان را افزایش داد؛

❖ با مسئولان غیر پاسخگو برخورد قانونی لازم را به انجام رساند.

واقعیت کنونی نظام سیاسی کشور نشان می‌دهد که برخی از مسئولین فرهنگ مشاوره قدرتمند ندارند. به بیانی دیگر، مجموعه جهت‌گیری‌های فردی، حزبی، سیاسی و اقتصادی و تفکرات حاکم بر ساختار اجرایی برخی از مسئولان باعث می‌گردد که آنها مجموعه انتقادات وارده بر عملکرد سازمان خود را پذیرا نبوده و بعضاً چنین انتقاداتی را بر مبنای عناد، دشمنی و عیب‌جویی و کارشکنی می‌پندارند.

برخی دیگر از مسئولان نیز فرهنگ پاسخگویی را در ساختار سازمانی خود نهادینه نکرده‌اند و خود را صرفاً در برابر مجلس یا قوه قضائیه پاسخگو می‌دانند. در آسیب‌شناسی این موضوع مهم بایستی به سه مسئله اشاره داشت:

❖ اول، چنین مسئولانی عمدتاً ادعای عدم اختیار داشته و خود و کارگزارانشان را صرفاً مجریان پیاده‌سازی چنین سیاست‌هایی می‌دانند؛

❖ دوم، فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری و تبیین این موضوع مهم که سیاست‌های بعضاً اشتباه، نادرست و با هزینه‌های بالای اقتصادی و اجرایی را چه کسانی طرح و تصویب می‌کنند؟؛

❖ سوم، عمل خارج از ضوابط قانونی نیز عامل مهم دیگر در این زمینه است.

عوامل مذکور در حال حاضر ازجمله مهم‌ترین دلایل ضعف مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی برخی از مسئولان کشور محسوب می‌شود. تعدادی از مهم‌ترین پیشنهادهای راهبردی و عمل‌گرایانه در این رابطه عبارت‌اند از:

- (۱) توجه به اصل تفکیک؛
- (۲) مشخص نمودن مرجع اتخاذ تصمیمات و مجریان؛
- (۳) اصلاح و بازسازی عمیق در ساختار قوانین و سیاست‌های تشویقی (پاداش‌ها) و بازدارنده (مجازات) در برابر پاسخگویی مسئولان.

۴-۱-۱-۴. آزادی بیان و مشارکت مدنی

از دیگر بایسته‌های حکمرانی مطلوب، «آزادی رسانه‌های عمومی» است. رسانه آزاد، موجب ارتباط گروه‌های مختلف شهروندان با یکدیگر و افزایش سطح آگاهی سیاسی و سازماندهی اپوزیسیون می‌شود؛ این موضوع پیامد مهمی با عنوان «توسعه جامعه مدنی» را در پی دارد (قصاب‌زاده لنگری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۳). ج.ا.ایران در این زمینه با دو چالش اساسی مواجه است:

❖ سیاست‌های اتخاذشده برای آزادی بیان به‌ویژه در فضای مجازی با چالش‌های عمده‌ای در کشور مواجه شده؛ به‌نحوی که به‌رغم فعالیت گسترده شورای فضای مجازی و رسانه‌ای، کماکان بخش مهمی از معضلات سیاسی و حتی امنیتی در این رابطه حل‌وفصل نشده است.

❖ بخش مهمی از رسانه‌ها در انحصار حکومت است. در این رابطه بایستی دو اقدام مهم صورت پذیرد:

- الف. سیاست‌های اتخاذشده در خصوص رسانه‌ها و فضای مجازی باید با در نظر گرفتن منافع همه گروه‌ها محقق شود. گروه‌های اجتماعی باید منافع خود در این حوزه را به دولتمردان ارائه کنند و در صورتی که تهدیدات امنیتی و سیاسی در خواسته‌ها و منافع آنان وجود نداشت، به آن خواسته‌ها عمل گردد؛
- ب. بخشی از فعالیت رسانه‌ای را به بخش خصوصی واگذار نمایند.

واگذاری فعالیت‌های رسانه‌ای به بخش خصوصی می‌تواند پیامدهای مهم زیر را به همراه داشته باشد:

- ❖ از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های حقیقی و مجازی می‌توان به نحوی مؤثرتر به حقوق اقلیت‌های حاضر در کشور توجه کرد؛
- ❖ فرایند نظارت با دقت و عمق بیشتری انجام خواهد شد؛ زیرا در صورت مشاهده اقدامات غیرقانونی، رسانه‌ها با استناد به شواهد موجود می‌توانند مجرمین اعم از شهروندان و مسئولین را به نهادهای قضایی معرفی کنند؛
- ❖ ارتباط و تعامل میان حکومت و شهروندان افزایش خواهد یافت.

۵-۱-۱. حاکمیت قانون و استقلال قضایی^۱

در تمامی نظام‌های دموکراتیک، قانون همواره بالاتر از اراده افراد است؛ درواقع، هرآنچه قانون تعیین می‌کند، الزام‌آور بوده و بایستی مورد کاربست قرار گیرد. تحقق این موضوع، منوط به حاکمیت قانون به معنای واقعی است. اساس حکومت‌داری خوب، حاکمیت قانون است. به اعتقاد «هایک»^۲ قانون مجموعه قواعد و رفتار مطلوب حاکم بر جامعه است. از دیدگاه وی وظیفه اصلی قانونگذار، بجای وضع قانون، کشف قانون است. کشف قانون، به معنای اکتشاف رویه‌های حاکم بر جامعه است.

یکی دیگر از بایسته‌های حکمرانی مطلوب، «استقلال قضایی» است. نخستین معنای استقلال قضایی، بی‌طرفی است؛ به این معنا که تصمیمات قضایی تحت تأثیر هیچ‌گونه منافع شخصی نباشد. این امر به دو اصل زیر نیاز دارد:

- ❖ بی‌طرفی قضات؛
 - ❖ مصونیت از دخالت‌های سیاسی (اسمیث، ۱۳۹۹: ۱۱).
- ج.ا.ایران در راستای تحقق عدالت از همان ابتدا قوه مستقلی با عنوان «قوه قضائیه» تأسیس و بر اساس فقه اسلام شیعی مبادرت به حاکمیت قانون و استقلال قضات نمود. همان‌گونه که در قسمت‌های قبل اشاره شد در راستای کاربست هرچه بهتر و عمیق‌تر

1. Rule of law & Judicial Independence

2. Friedrich Hayek

حاکمیت قانون و استقلال قضایی، قوه قضائیه باید اموال و دارایی مسئولان دولتی و حکومتی را پیش و پس از دوره مسئولیتشان به صورت رسمی و شفاف اعلام نماید. توجه به سه موضوع مهم در این رابطه می‌تواند اثربخش باشد.

❖ اول، اصلاح قوانینی که کارآمدی لازم را ندارند. قوه قضائیه باید بتواند با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و نیازهای بروز جامعه، قوانین بروز و قابل اجرا تنظیم و به اجرا بگذارد؛

❖ دوم، تمامی نهادها و سازمان‌های دولتی کشور بایستی ملزم به رعایت قوانین اداری، سازمانی و دولتی باشند؛

❖ سوم، وجود هرگونه تخلف اداری-حقوقی چه از سوی مسئولین حتی مسئولان قضایی و چه از سوی شهروندان با پیگیری و استیفای حقوق از دست رفته مواجه شود. درواقع، مادامی که با متخلفین برخورد حقوقی-قضایی لازم صورت نگیرد، تعمیق فساد، بی‌اعتمادی شهروندان و کاهش تعاملات مردم-مسئولان را در کشور شاهد خواهیم بود.

بایستی به این نکته مهم نیز توجه کرد که آموزش قوانین لازم به شهروندان بسیار اثرگذار است. در حال حاضر واقعیت این است که طیف عظیمی از شهروندان آگاهی لازم نسبت به بسیاری از مسائل حقوقی-قضایی را ندارند؛ لذا آگاهی و آموزش در این رابطه می‌تواند بسیار اثربخش باشد.

۶-۱-۴. تساهل و پرهیز از تحمیل عقاید با تأکید بر تقویت نگاه‌های میان فرهنگی

این اصل بر مبنای معرفت‌شناختی «تفاهمی بودن عقل ارتباطی» مطرح می‌شود. هابرماس دستیابی به توافق را ذاتاً دموکراتیک می‌پندارد؛ زیرا حاصل اراده آزاد طرفین گفتگو است:

«توافقی که به شیوه‌ای ارتباطی حاصل می‌شود، یک شالوده عقلانی دارد که هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند آن را چه به صورت ابزاری از طریق مداخله مستقیم در اوضاع و احوال و چه به صورت راهبردی با تأثیر گذاشتن بر تصمیم حریفان تحمیل نمایند» (صالحی، ۱۴۰۲: ۳۲۳).

از طرفی دیگر، اصل تقویت نگاه‌های میان‌فرهنگی دلالت بر انسان‌شناختی هویت ارتباطی انسان دارد. مطابق این اصل، کنشگران بایستی به‌راحتی بتوانند تفاوت‌های فردی را قبول نموده و نگاهی مبتنی بر اصل میان‌فرهنگی را اتخاذ کنند (کلایی و یعقوبی، ۱۴۰۱: ۲۰۱).

۱-۱-۱-۴. راهکارهای تقویت نگاه میان‌فرهنگی

ج.ا.ایران جهت تحقق هرچه بهتر حکمرانی خوب با تأکید بر اصل تقویت نگاه‌های میان‌فرهنگی باید به رویکردهای ذیل توجه نماید:

الف. وفاق نخبگان سیاسی

وفاق نخبگان سیاسی ناظر بر توافق بر سر اصول اساسی حکومت است (بشیریه، ۱۴۰۱: ۵۴۶). در مفهوم محدودتر می‌توان وفاق را به قابلیت پذیرش سیاست‌های دولتی برای شمار قابل ملاحظه‌ای از گروه‌های اجتماعی-سیاسی تعریف کرد (کرانسل^۱، ۲۰۱۰: ۳۹). بر اساس این تعریف وفاق به معنای تداخل وفاداری‌ها بر حول شکاف‌های متقاطع اجتماعی و سیاسی که در سطح احزاب و ایدئولوژی‌ها بازتاب می‌یابد، تعبیر می‌شود.

در این راستا، جریان‌ات سیاسی فعال ج.ا.ایران در عمده مسائل سیاسی، تساهل سیاسی را وانهاده و قائل به گفتگو و مفاهمه سازنده نمی‌باشند. این موضوع پیامدهای مهم زیر را در میان نخبگان ایجاد کرده است:

(۱) «افزایش شکاف سیاسی»

(۲) «عدم وفاق سیاسی»

ب. ایجاد اتفاق نظر با هدف تصمیم‌گیری و اقدام مشترک

برای اطلاق عنوان «ایجاد اتفاق نظر» برای یک فرایند، برخی شرایط باید رعایت شوند. مفاهمه که همان اتفاق نظر است فقط هنگامی حاصل می‌گردد که همه منافع کشف‌شده و تلاش‌های ممکن برای منافع جمعی باشد. بنابراین مادامی که جریان‌ات سیاسی کشور منافع جمعی را مورد توجه و تأکید نهایی قرار ندهند، اتفاق نظر و تفاهم حاصل نخواهد شد.

پ. برنامه‌ریزی ارتباطی

برنامه‌ریزی ارتباطی، ویژگی‌های مشترک فراوانی با نهادگرایی دارد؛ به‌طوری‌که می‌توان این نگرش را معادل نهادگرایی در عرصه برنامه‌ریزی در نظر گرفت. از میان این تغییرات می‌توان به تأکید بر مذاکره، ایجاد اتفاق نظر و گفت‌وگو عمومی اشاره کرد.

ت. مبادله-مذاکره

«مبادله» (به‌عنوان کنش مشترک و دارای ماهیت دوسویه) عنصر اصلی برنامه‌ریزی و اقدام در چارچوب تفکر نهادگرا است؛ این عنصر امکان ایجاد توافق در مورد موضوعات مختلف را فراهم می‌کند. مبادله در برنامه‌ریزی ارتباطی با نام «مذاکره» معرفی می‌گردد و هدف آن، ایجاد توافق بین افراد و گروه‌های مختلف از طریق ایجاد «ادراک متقابل» است (متوسلی و حاجی علی‌اکبری، ۱۳۹۵: ۳۸).

ث. پرورش مهارت‌های همدلی

این عامل در ایجاد فضای مشارکتی مناسب و اثربخش و ظهور روابط مبتنی بر تعامل بسیار اثربخش است. توفیق در این موضوع، پیامد مهمی به نام شکل‌گیری و بسط اعتماد و ارتقاء ارتباطات و تعاملات خواهد داشت. در این رابطه، همدلی به رعایت پیش‌شرط‌هایی مانند احترام به افراد، درک نیازها و عملکردهای آنان نیاز دارد (علی‌پور، ۱۴۰۱: ۷۶).

۷-۱-۴. انتخابات آزاد و شفاف با تأکید بر حزب و کثرت‌گرایی

بر اساس این اصل همه مسئولان و مقامات دولتی باید طی انتخاباتی شفاف، آزاد و با حضور و نقش‌آفرینی مستقیم مردم و نخبگان انتخاب شوند؛ علاوه بر این مسئولان حکومتی در همه امور از طریق نهادهای مردمی تحت نظارت مستمر و دائمی قرار گیرند. قانون، باید ملاک اصلی عمل قرار بگیرد و قانونگذاری از سوی مردم و از طریق مجلس صورت پذیرد. اگر قرار است مصلحت‌سنجی نیز محقق گردد از سوی نمایندگان مردم انجام شود و ساختارها و نهادها در راستای اقناع افکار عمومی رفتار کنند (ملکی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

«کثرت»، ابزاری برای پشتیبانی دموکراسی است؛ این نوع نظام سیاسی به کثرت گروه‌های سیاسی وابسته است. این گروه‌ها به منظور تأثیر گذاشتن بر سیاست‌گذاران، بسیج آراء و عقاید عموم، ایجاب پاسخگویی در تمام جوانب دولت، و مسئولیت‌پذیری دولت نسبت به خواسته‌ها و نیازهای مردم سازمان‌یافته است.

«حزب‌گرایی»، یکی از ویژگی‌های ضروری سیاست مدرن است و این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند که تعداد زیادی از موضوعاتی را که به دستورکار سیاسی راه پیدا می‌کنند را تا حدودی درک کنند. یکی از ابزارهای مهم در نهادهای سازی نظام‌های حزبی دولت، قدرت احزاب به‌عنوان سازمان است. احزاب قوی، قادر به انطباق هستند (اسمیث، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

۸-۱-۱-۴. حکمرانی مردم‌سالارانه

یکی از بایسته‌های کلیدی برای حکمرانی مطلوب توجه به بحث حکمرانی دموکراتیک است؛ این امر می‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد. از طریق شفاف‌سازی، مردم به اطلاعات و تصمیمات مربوط به حکومت دسترسی دارند.

اطلاع از کارکردها و تصمیمات حکومت حق شهروندان است؛ نباید بخشی از اطلاعات از مردم پنهان بماند.

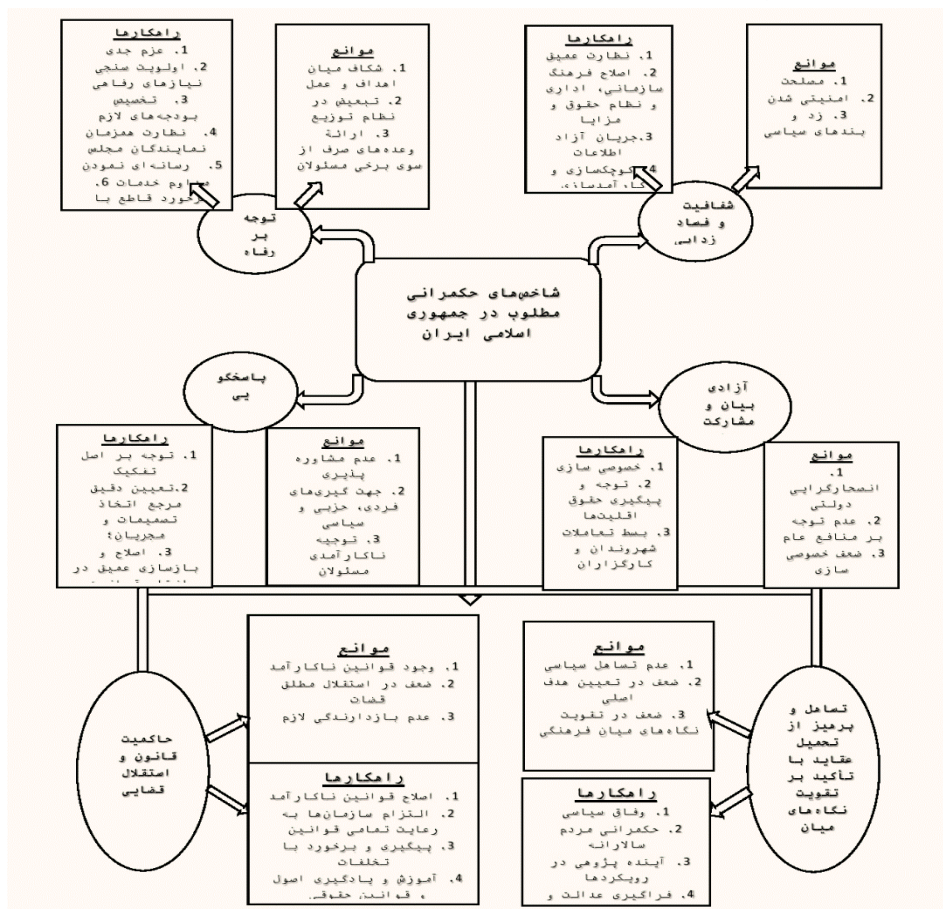
۹-۱-۱-۴. آینده‌پژوهی در رویکردها

یکی از ملزومات دنیای امروز در درون حاکمیت‌ها، دولت‌ها و حکمرانی مطلوب، آینده‌پژوهی حول رویکردها و سیاست‌های منطبق با برنامه‌ریزی کشور است. این امر ضمن کشف و پیش‌بینی داده‌های آتی و چالش‌های پیش‌رو می‌تواند توصیه‌کننده راه‌حل‌ها و رافع بسیاری از دغدغه‌ها و مشکلات آتی کشور باشد.

یک حکمرانی مطلوب باید به لحاظ کنش ارتباطی و عقلانیت مفاهیم‌ای، شرایط و فضا را برای نوآوری و ارزش‌گذاری ابتکارهای برنامه‌ریزی فراهم کند؛ بدین نحو شرایطی مهیا می‌گردد که همه بهره‌وران در آن به مبادله و توسعه ایده‌ها در مورد آینده مطلوب اقدام نمایند (قدوسی، ۱۴۰۲: ۵۱-۵۲).

۱-۱-۱-۴: فراگیری عدالت و برابری اجتماعی

یکی از جنبه‌های حکومت‌داری خوب، فراگیری عدالت است؛ به همین ترتیب نابرابری و انحصاری بودن از ویژگی‌های حکومت بد است. این اصل مبتنی بر درهم‌تنیدگی عدالت و همبستگی (انسجام اجتماعی) است.



شکل شماره ۱. شاخص‌ها و الزامات تحقق حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهیم؛ (طراحی نویسندگان)

هابرماس در وضعیت آرمانی بیان می‌دارد که زمینه‌ساز اندیشه‌های محوری او در کنش ارتباطی، اخلاق گفتگویی، زیست‌جهان وفاقی و ارتباط بین‌الذهانی است؛ به همین دلیل به

مقوله عدالت و برابری و آزادی شرکت‌کنندگان در بحث به‌عنوان خاستگاهی برای آغاز کار می‌پردازد (مقدری، ۱۴۰۰: ۱۳۳-۱۳۴).

یکی از مصادیق حوزه فراگیری عدالت و برابری اجتماعی توجه به جایگاه زنان است. ج.ا.ایران در مسائل آموزشی، اشتغال، بهداشت و درمان برای زنان ایرانی، تا حد زیادی موفقیت‌آمیز اقدام کرده است؛ تعداد بسیار زیاد معلم، پرستار، دانشجو و اساتید زن گواهی بر این ادعاست؛ اما در مسائل کلان سیاسی، زنان جایگاه واقعی خود را نیافته‌اند. علاوه بر این، نهاد یا سازمانی که به‌صورت اثربخش و فعال، پیگیر مسائل حقوقی-اجتماعی زنان باشد، در کشور وجود ندارد حال آنکه می‌توان از ظرفیت و توانمندی بانوان ایرانی در حوزه‌های مختلف بیشترین بهره را برد. در شکل (۱) نویسندگان بر اساس هدف اصلی پژوهش، تحقق حکمرانی مطلوب در ج.ا.ایران با تأکید بر عقلانیت سیاسی مفاهیم‌ای و تبیین شاخص‌ها و الزامات این موضوع، مدلی که بتواند این مهم را به بهترین و کارآمدترین وجه در نظام سیاسی ج.ا.ایران پیاده‌سازی نماید، طراحی کردند.

۵. نتیجه‌گیری

با مشخص شدن میزان اهمیت و قدرت عقلانیت مفاهیم‌ای، اهمیت حوزه عمومی، دموکراسی گفتگویی و مشورتی نمایان گردید؛ در همین راستا شاخص‌های حوزه عمومی نیز بروز و ظهور یافت؛ در این بین جوهر اصلی حوزه عمومی تعاملات مبتنی بر زبان است که به‌صورت دیالوگی و نه مونولوگی شکل می‌گیرد؛ دیالوگی که اهمیت گفتگوی متقابل را متجلی می‌سازد. دیگر مفاهیم منتهی به عقلانیت سیاسی مفاهیم‌ای همچون زیست جهان، حوزه عمومی و دموکراسی گفتگویی نیز ضمن تأکید بر دیالوگ، اجماع‌ساز بوده و بر محور وفاق حرکت می‌کنند.

در عقلانیت مفاهیم‌ای و نظریه کنش ارتباطی، کنش اجتماعی جهت نیل به تفاهم و درک مشترک از طریق مفاهیم، گفتگو، استدلال و عقلانیت محقق خواهد شد. از این‌رو با رصد اندیشه‌های برآمده از عقلانیت ارتباطی و مفاهیم‌ای که معطوف به حصول تفاهم و تعامل است، اهمیت گفتگو، کارکرد گفتار و زبان، همفکری و مشارکت طرفین در یک

سیستم یا جامعه، ظهور می‌یابد؛ با پذیرش این مهم و تلاش بر نقدهای وارده بر آن، شاخص‌هایی برای تحقق یک نظام حکمرانی مطلوب احصاء و معرفی گردید.

در بخش پایانی پژوهش حاضر بر اساس مبانی نظری و اندیشه‌ای، شاخص‌های حکمرانی مطلوب به صورت جامع‌تر و کامل‌تر قید و توصیه شدند؛ به نظر می‌رسد تجمیع این اصول، شاخص‌ها و بایدها، می‌تواند حکمرانی مطلوب را برای نظام ج.ا.ایران به نحوی اثربخش‌تر و کارآمدتر فراهم سازد. در این زمینه بایسته‌ها و الزاماتی همچون ارتقاء رفاه عمومی، شفافیت و فساد زدایی، پاسخگویی، آزادی بیان و مشارکت مدنی، حاکمیت قانون و استقلال قضایی، تساهل و پرهیز از تحمیل عقاید با تأکید بر تقویت نگاه‌های میان‌فرهنگی (شامل وفاق نخبگان سیاسی، انتخابات آزاد و شفاف با تأکید بر تحزب و کثرت‌گرایی، حکمرانی مردم‌سالارانه، آینده‌پژوهی در رویکردها، و فراگیری عدالت و برابری اجتماعی همچون توجه به اهمیت جایگاه بانوان در جامعه) مورد توجه قرار گرفت. در تبیین الزامات و شاخص‌های مذکور، باید این نکته را در نظر گرفت که با توجه به شرایط اقتصادی طبقات اجتماعی، افزایش سطح رفاه اجتماعی و عمومی، نخستین و مهم‌ترین اصل در تحقق هرچه بهتر حکمرانی مطلوب در کشور است. به بیانی دیگر، توجه و تمرکز بر بهبود وضعیت رفاهی همچون اشتغال، مسکن، بهداشت و آموزش طبقات اجتماعی، در بسط میزان رضایت، تفاهم، حمایت و تعامل طبقات اجتماعی با دولت بسیار اثرگذار است؛ از این رو، به تعبیر نویسندگان اولویت نخست در الزامات مذکور را بایستی به موضوع مهم رفاه اجتماعی اختصاص داد. این موضوع نیازمند مسئولیت، تلاش و تعهد مسئولان و سیاست‌گذاران ارشد کشور است. در واقع تلاش بیشتر، عمیق‌تر و پیوسته‌تر مسئولان در حل و فصل مشکلات رفاهی طبقات اجتماعی پیامدهای مهمی همچون محرومیت‌زدایی، توجه به حقوق اقشار و طبقات مختلف سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی، رضایت آنان را به همراه خواهد داشت.

در مرتبه دوم باید به شاخص پاسخگویی و تعهد و مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مسئولان ارشد کشور توجه نمود. اولویت سوم، حاکمیت قانون و استقلال قضایی است.

یکی از مهم‌ترین اصول موفقیت در پیشبرد اهداف مبتنی بر توسعه (توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) حاکمیت قانون، استقلال قضایی و برخورد با مفسدین است. تأکید بر این موضوع مهم تقریباً در تمامی نظام‌های سیاسی فارغ از ماهیت حکومتشان دیده می‌شود؛ تحقق این موضوع منوط به برابری تمامی افراد در برابر قانون است. حاکمیت قانون چهار پیامد مهم به همراه خواهد داشت:

- ❖ اجرای صحیح، اصولی و بی‌نقص مقررات؛
- ❖ برابری همه در برابر قانون (برخورد با هنجارشکنان)؛
- ❖ کاهش فساد؛
- ❖ تحقق عدالت اجتماعی.

اولویت سوم، موضوعات مرتبط با جامعه مدنی که از دو حیث قابل بحث است: اول؛ مباحث مرتبط با وفاق ملی در میان احزاب، جناح‌های سیاسی و طبقات مختلف اجتماعی. در این راستا بایستی به فهمی مشترک در رابطه با منافع اصلی و کلان ملی مبادرت نمود. به عبارتی دیگر، مادامی‌که فهمی مشترک و واحد از منافع اصلی و مورد اتفاق تمامی طبقات ایجاد نشود، نمی‌توان به وفاق ملی دست یافت. این موضوع منوط به تعامل، کنشگری پیوسته، مفاهمه و گریز از هر نوع جدال سیاسی و جناحی است.

دوم؛ ج.ا.ایران با توجه به تکرر فرهنگی، قومیتی، زبانی و مذهبی این موضوع مهم را مورد توجه قرار دهد که آزادی بیان با رعایت اصول امنیتی به تحقق حکمرانی مطلوب کمک شایانی می‌کند. راهکار عمل‌گرایانه در راستای تحقق بهتر این موضوع، تساهل و پرهیز از تحمیل عقاید با تأکید بر نگاه‌های میان‌فرهنگی از طریق راهکارهای زیر است:

- ❖ وفاق نخبگان سیاسی؛
- ❖ انتخابات آزاد و شفاف با تأکید بر تحزب و کثرت‌گرایی؛
- ❖ حکمرانی مردم‌سالارانه؛
- ❖ آینده‌پژوهی در رویکردها؛
- ❖ فراگیری عدالت و برابری اجتماعی همچون توجه به اهمیت جایگاه بانوان در جامعه.

منابع

الف-فارسی

- ادیانی، سید یونس (۱۳۹۷). بنیادهای عقلانی مفاهیمه (مفاهیمه سیاسی)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اسمیث، ب.ث (۱۳۹۹). حکمرانی خوب و توسعه. ترجمه مرسله آدابی و همکاران، تهران: گسترش.
- بشیریه، حسین (۱۴۰۱). عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
- حسینی، علی؛ رفیع‌نژاد، زهرا؛ درویشی، مرتضی (۱۴۰۲). «فرهنگ‌پذیری در بستر عقلانیت در جهت رسیدن به همزیستی مسالمت‌آمیز (با رویکرد عقلانیت ارتباطی هابرماس)»، *جامعه، فرهنگ، رسانه*، ۱۲(۴۸)، ۸۵-۱۰۳.
- زهیری، علیرضا (۱۴۰۱). «حکمرانی خوب و الزامات سازه‌ای شفافیت (با تأکید بر اسناد فرادستی ج.ا.ایران)»، *آیین حکمرانی*، ۱(۲)، ۱۰۵-۱۲۶.
- شاکری، حمید (۱۴۰۳). «تحلیلی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی ج.ا.ایران»، *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۲(۱)، ۸۱-۱۰۷.
- صالحی، مطهره (۱۴۰۲). «بررسی و تبیین شاخص‌های تحقق حکمرانی خوب در راستای توسعه‌یافتگی»، *جغرافیا و روابط انسانی*، ۶(۱)، ۳۱۸-۳۳۱.
- علی‌پور، اسماعیل (۱۴۰۱). *جامعه‌شناسی حکمرانی*، تهران: اندیشه احسان.
- قدوسی، محمدامیر (۱۴۰۲). *چهار نظریه درباره حکمرانی*، تهران: نگاه معاصر.
- قصاب‌زاده لنگری، زینب؛ کمالیان، امین‌رضا؛ یعقوبی، نورمحمد؛ دوست محمدیان، حمید و حامد آرامش (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر حکمرانی الکترونیک بر پایداری سازمانی با نقش میانجی حکمرانی خوب»، *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۱۴(۲)، ۱۳۹-۱۶۱.
- کانینگهام، فرانک (۱۴۰۳). *نظریه‌های دموکراسی*. ترجمه سعید خاوری‌نژاد، تهران: دنیای اقتصاد.
- کلابی، امیرمحمد؛ یعقوبی، نورمحمد (۱۴۰۱). «ارائه مدل حکمرانی پایدار با تأکید بر توسعه کارآفرینی»، *مدیریت دولتی*، ۱۴(۲)، ۱۹۵-۲۱۴.

- کلهری، احمد؛ محسنی، علی؛ و الهی‌منش، محمدحسن (۱۴۰۱). «ارزیابی شاخص‌های حکمرانی خوب در ج.ا.ایران»، *راهبرد سیاسی*، ۶(۲)، ۹۹-۱۱۲.
- متوسلی، محمود؛ حاجی علی‌اکبری، کاوه (۱۳۹۵). «کنش جمعی؛ نقطه اتصال تفکر نهادگرا و نگرش برنامه‌ریزی ارتباطی»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۱(۴)، ۱۵-۴۵.
- مقدری، مهدی (۱۴۰۰). *حکمرانی خوب و توسعه، دیدگاه‌های دانیل کافمن*، تهران: نگاه معاصر.
- ملکی، علی (۱۳۹۶). «نظریه انتقادی، الگویی برای تعامل دین و دولت»، *علوم سیاسی*، ۲۰(۷۸)، ۱۳۱-۱۵۲.
- واحدی، سعید (۱۴۰۲). «مدل‌سازی حکمرانی خوب در ج.ا.ایران»، *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، ۴(۲)، ۸۳-۱۰۵.
- هابرماس، یورگن (۱۴۰۰). *نظریه کنش ارتباطی*. ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز.
- یدالهی، انور؛ پیرامن، فاطمه (۱۴۰۳). «تحولات مفهوم حکمرانی خوب در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، ۵۴(۱)، ۶۶۷-۶۸۳.

ب- انگلیسی

- Chanda, T., Madoda, D., Hassan Sain, Z.; Chisebe, S. (2024). "Good Governance: A Pillar to National Development. International", *Journal of Research Publication and Reviews*, 5(6), pp. 6215-6223.
- Dandashly, A.; Kourtellis, C. (2024). "Political corruption in the Arab Mediterranean countries: an innovative typology", *Journal of Democratization*, 31(8), pp. 1844-1865.
- Habermas, J. (2014). *The Theory of Communicative Action*, Boston: Beacon Press.
- Figueira, F. (2024). "Theorising Bounded Rationality in EU Policy-Making", *Journal of Common Market Studies*, 16(4), pp. 1-17.
- Habermas, J. (2023). *A New Structural Transformation of the Public Sphere and Deliberative Politics*, London: SAGE.
- Habermas, J. (2020). *Philosophical-Political Profiles*, London: Routledge.
- Habermas, J. (2019). *Toward a Rational Society*, New York: Beacon Press.
- Habermas, J. (2018). *On the Pragmatics of Social Interaction*, London: SAGE.
- Habermas, J. (2012). *Communication and the evolution of society*, Cambridge: polity press.

- Habermas, J. (2009). *The Theory of Communicative Action; Reason and the Rationalization of Society*, Boston: Beacon Press.
- Ijim Agbor, U., Ijim Agbor, T., Ofu Obaji –akpet, I., & Richard Eja, T. (2024). “Good governance, Elections and meeting the Sustainable Development Goals by 2030 in Africa”, *African Journal of Politics and Administrative Studies*, 17(1), pp. 353-379.
- Kalberg, S. (2024). *Max Weber’s Sociology*, London: Routledge.
- Kangkang, C.; Jianping, Z. (2024). “On the Rationality of Ethical Governance of Eco-Environment: Analysis from the Perspective of Marxist Environmental Governance”, *Journal of Frontiers Philosophy in China*, 19(4), pp. 416-427.
- Murtazashvili, J. (2025). “The problem of governance”, *Journal of Frontier in Political Scienc*, 7(4), pp. 1-16.
- Narlikar, A. (2024). What Rationality, Whose Design and Governance How”, *Journal of Government & Opposition*, 43(1), pp. 371-389.
- Ozekin, A.; Aksoy, F. (2025). “Index generation for good governance via multiplicative data envelopment analysis”, *Journal of Socio-Economic Planning Sciences*, (99), pp. 112-131.
- Ritzer, G. (2005). *Encyclopedia of social theory*, London: SAGE.
- Setala, M. (2024). “Inclusive deliberation for future-regarding governance: potentials and pitfalls”, *Journal of Policy Studies*, 12(2), pp. 146-162.
- Zhu, B., Yang, M.; Chu, X. (2024). “Good governance and innovation: Economic freedom matters”, *Technological Forecasting and Social Change*, (205), pp. 427-444.